

۲۰۰۹/۰۵/۱۲ م

نوشتۀ واسیلی متروخین، بایگان ارشد کی جی بی

برگرداننده به دری: داکتر حمید سیماب

کی جی بی در افغانستان



قسمت نهم

گروه های کوچک واحدهای نظامی و اعضای کی جی بی تحت پوشش های مختلف به افغانستان فرستاده شدند. مدت ها پیش در مارچ ۱۹۷۹ پوزانوف و ایوانوف درخواست کرده بودند تا ۲۰ نگهبان مرزی در لباس ملکی ولی مسلح با اسلحه مورد نیاز (ماشیندار خفیف، بم های دستی و تفنگچه) برای تقویت محافظین سفارت در کابل فرستاده شوند. آنها همچنین تقاضا نمودند تا یک گروه عملیاتی ۱۲ نفره از ریاست هفتم کی جی بی برای محافظت اراکین تاسیسات شوروی در افغانستان و دو عضو ریاست مخابرات حکومتی کی جی بی زیر نام مشاورین وزارت امور خارجه فرستاده شوند و نیز درخواست کردند تا ذخیره مواد غذایی قابل نگهداشت دراز مدت به ارزش ۵۰۰۰ روبل ارسال گردد.

در ماه نومبر عملیاتی صورت گرفت که طی آن سربازان واحد «برین گاه» با نگهبانان مرزی که آموزش خاص دیده بودند معاوضه گردیدند. یک تولی موتوریزه سربازان مرزی مشتمل بر ۲۰۸ سرباز محاربوی، هلیکوپترهای مسلح، ۲۵ نفر برزری، ۱۵ زره پوش، ده نارنجک انداز دستی و چار نارنجک انداز نصب شده بر موتر مخفیانه وارد افغانستان ساخته شدند. بروز ۷ دسمبر دو کارشناس ریاست عمومی نگهبانان سرحدی کی جی بی به افغانستان آمدند تا خطوط مخابراتی محل جدید اقامت امین را مطالعه نمایند. اقامتگاه کی جی بی بروز ۸ دسمبر هدایت گرفت تا با اتخاذ تدابیر خاص احتیاطی نشرات رادیو «بوران» را که از دوشنبه (تاجکستان) بسوی افغانستان پخش می شد در کابل و ولایات بازشنوی و مراقبت کرده و «نظر خود را در ارتباط استفاده ممکن از آن در حالاتی که بخود تان معلوم است» ارائه دارد. آمادگی برای پیاده سازی عملیات «آگات»^۱ (عقیق) با سرعت پیش می رفت. از شعبه هشتم ریاست «س» ریاست عمومی اول (عملیات خارجی) کی جی بی خواسته شد تا اجرای عملیات را بعهده گیرد. آمادگی ها به مراحل نهایی خود رسیدند. دگروال لزارنکو^۲ معاون شعبه هشتم ریاست «س» مسئول مستقیم عملیات بود. تورن جنرال کرپچینکو رئیس ریاست «س» و معاونش تورن جنرال کراسوفسکی^۳ رئیس شعبه هشتم آن ریاست به کابل فرستاده شدند تا با ایوانوف کمک کنند. بروز ۱۲ دسمبر ا.و. پتروف دستیار ارشد شعبه هشتم ریاست عمومی اول، ب. گ. چیچیرین^۴ افسر ارشد عملیاتی و اعضای سائر ریاست های کی جی بی از مرکز و مناطق دوردست آن سازمان به کابل پرواز کردند. ده عضو گروه «الف» ریاست هفتم کی جی بی نیز در همان روز به کابل رسیدند. به روز ۲۳ دسمبر سه عضو دیگر و چندی بعد گروه مکملی به سرکردگی دگر جنرال ا.د. بسچستنوف^۵ رئیس ریاست هفت به کابل رسیدند.

در طول ماه دسمبر اعضا و عوامل کی جی بی که تابعیت اتحاد شوروی را داشتند نوکریوالی ۲۴ ساعته اجرا می کردند. اضافه از ۱۶۰۰ مشاور و کارشناس نظامی، ۶۱ عضو نمایندگی کی جی بی، ۲۱ عضو اقامتگاه کی جی بی و ۱۰ افسر عملیاتی از واحد «برین گاه» از مجاری محله شوروی نشین (باشندگان خانه های رهائشی مربوط سفارت

Agat¹Lazarenko²Krasovsky , Kirpichenko³Chichirin , Petrov⁴Beschastnov⁵

شوروی) مشغول استخبار و جمع آوری اطلاعات بوده ۱۰۳ ایجنٹ و ۱۱۵ تن نوجذبی کی جی بی با اقامتگاه در تماس بودند. مخابرات تلگرافی بین کابل و ماسکو بطور دائم مصروف بود.

شوروی ها پی بردند که منسوبین نیرو های مسلح افغانستان پرسونل شوروی را زیر مراقبت گرفته بودند. افغان ها می خواستند بدانند چرا مشاورین شوروی درین اواخر شبانه ناوقت تر از معمول در واحد های خود باقی می ماندند. فرماندهان افغانی قطعه ۳۷ و غند ۲۶ هوایی عدم اعتماد بر مشاورین خود را نشان می دادند. در برخی جزوتم ها مرخصی ها و ترخیص سربازان معطل قرار داده شد.

در شهر آوازه بود که حمله پرچمی ها هر آن احتمال دارد. گفته می شد که کارمل در ماسکو است و شمار روزهای حکمروایی امین به پایان خود نزدیک شده به کمک اتحاد شوروی برانداخته خواهد شد و شوروی ها ببرک و رفقاییش را بزودی به افغانستان خواهند آورد تا در رأس کودتا قرار گرفته قدرت را بدست گیرند. گروه پرچمیان مخفی مرگ تره کی را عامل مهمی می دانستند که خلقی های وفادار را وادار خواهد ساخت تا یکبار دیگر در مورد وحدت ح.د.خ.ا. جدی بیندیشند. پرچمی ها باور داشتند که کارمل پس از مرگ تره کی خود به خود منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. شده بود چون در پلنوم مشترک ماه جولای ۱۹۷۷ با توافق رهبری جناح خلق و شخص تره کی بحیث معاون منشی عمومی حزب تعیین گردیده بود. آنده خلقی هاییکه فیصله پلنوم فوق العاده تاریخی ۱۶ سپتمبر کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. را که در آن امین بحیث منشی عمومی حزب تعیین شده بود نمی پذیرفتند می توانستند به حزب برگردند و نقش خود را در مبارزه علیه دیکتاتوری خونین باند امین بازی کنند.

در ماه نومبر سفیر کیوبا در افغانستان به ستفانیک معاون شعبه بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکیا اظهار داشت که امین خط مشی مستقل از شوروی را تعقیب می کند و بنابراین «نمی توان امحای فزیکمی امین را متنفی دانست». به عقیده سفیر کیوبا اگر قرار بود کودتایی صورت گیرد کارمل (که در آن زمان در شوروی بسر می برد) محتمل ترین کاندید برای مقام اول حزبی دولتی بود. «کسی در افغانستان مناسب تر و با اتوریته تر از کارمل نیست». سفیر کیوبا بعدتر تبصره کرد که تبلیغات غرب در افغانستان در برابر انقلاب کاراتر و مؤثرتر از تبلیغات جمهوری دموکراتیک افغانستان و کشورهای سوسیالیستی بود که نتوانسته بودند وجوه مثبت انقلاب را به شکل سالم آن ارائه دهند.

امین چند بار از آرزوی اینکه به حیث منشی عمومی ح.د.خ.ا. جهت مذاکره با برژنف به ماسکو برود به سفیر شوروی یادآور شده و اظهار کرده بود که آماده است هر وقتی برای ماسکو مناسب باشد به آنجا برود. آخرین باری که این موضوع را با تأیید مطرح کرد بروز ۶ دسمبر بود. اشارات و کنایات مصرانه امین مؤدبانه اغماض می شدند ولی در عین حال هرآنچه امکان داشت بکار می رفت تا امین کمترین بدگمانی در مورد دلایل اصلی برخورد مبهم و غیرقابل درک رهبران شوروی نداشته باشد. درخواست هایش برای مهمات نظامی پذیرفته می شدند، فرستنده های رادیویی که تقاضا کرد تهیه گردیدند و روی دوباره جابجا سازی دو فرقه افغانی از شمال به سائر نقاط کشور توافق صورت گرفت.

لوی درستیز وزارت دفاع محمد یعقوب نامه یی به سفارت شوروی نوشت ودر آن اظهار داشت که ارتش افغانستان با دشمنان رژیم در گیر نبرد مسلحانه در هوای سرد و در شرایط دشوار کوهستانی بود و اردو برای ۱۰۰۰۰ سرباز یونیفورم، کتی گرم، پتلون، زیر پوش، کلاه زمستانی، موزه، جوراب گرم، پایپچ و دستکش نیاز داشت. سفارت و سرمشاور نظامی دگر جنرال س.گ. مگومتوف^۶ تصمیم گرفتند تا در برابر درخواست یعقوب لوی درستیز پاسخ مساعد نشان دهند و باوجود آنکه قرار شد اولین جویه اموال درخواستی برای ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سرباز در آینده نزدیک ذریعه هوا فرستاده شود توافق صورت گرفت تا تاریخ مشخصی برای تحویلدهی کالای درخواستی تعیین نگردد.

شمار کارشناسان و مشاورین شوروی در افغانستان افزایش یافت ولی از سوی دیگر شماری از مشاورینی که از نظر سیاسی ناپخته تلقی می گردیدند به اتحاد شوروی واپس فرستاده شدند. ازین جمله یکی تورن جنرال و. پ. زیلاتین^۷ سرمشاور نظامی اقبال وزیر ری رئیس عمومی سیاسی اردوی افغانستان بود که مورد التفات و اعتماد امین قرار داشت. اما از نظر اقامتگاه کی جی بی زیلاتین حوادث ماه سپتمبر افغانستان را بحد کافی انتقادی ارزیابی نمی کرد و در مورد تصامیم رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان دید عینی و واقعبینانه نداشت و به اقبال زیاد نزدیک بود. بنابراین دلایل او را برای مدت نامعلومی جهت «مشوره» به ماسکو احضار کردند. اقبال وزیری و امین مکرراً می پرسیدند که جنرال چه زمانی پس خواهد آمد؟

اقامتگاه کی جی بی در مورد سرمشاور نظامی رئیس شعبه سیاسی [درینجا کلماتی حذف شده اند] قول اردوی مرکز دگروال ا.ن. کاپوستین^۸ که او را خودساز، گزافه گو، مبالغه گر کارنامه های خود، سرتنبه، بدون دید انتقادی از خود و

Magometov⁶

Zaplatin⁷

Kapustin⁸

متمايل به عوامفريبي مي دانستند نيز نظر منفي داشت. «کپوستين که کاملاً زير نفوذ زپلاتين رفته است کوشش مي کرد همه خدمات ارتشي را منقاد ارگان هاي سياسي سازد. وي حوادث سپتمبر را عمق يابي نکرده موضوعات تبليغي امين و اقبال را تکرار و در عين زمان ادعا مي کرد که موضعگيري اصولي حزبي اش نيز همين است. در ماه دسمبر کپوستين به ديد و باز ديد خود با سلطان^۹ رئيس امور سياسي کام ادامه داد ولي اين ملاقات ها را از ما مخفي نگه مي داشت. پس از براندازی امين از قدرت کپوستين نشان مي داد که در اندیشه اش تغيير آمده و لي خيلي کم حرف و در خود فرو رفته شده بود.»

يکي از منابع اطلاعاتي مشاور نظامي عاملي بنام «زدروف» يعني لمري بریدمن ا.پ. زبرایف^{۱۰} ترجمان مشاورين نظامي قول اردوي مزر بود. وي در مورد اقبال وزيري و علي شاه پيمان اطلاع رسانده و در اوقات مختلف با يول. کوخته، ا.بي. کتکوف، و.گ. اوسادچي و ل.پ. کوسترومين^{۱۱} ارتباط داشت. عامل ديگري که خبرکشي مشاورين را مي کرد ترجمان ارشد د.ا. افدوکيموف («نکراسوف»)^{۱۲} بود. وي ترجمان ملاقات هاي زپلاتين با امين بود. اقامتگاه در مورد اين دو ترجمان که هر دو سربراه بودند شکايتي نداشت.

بروز ۱۴ دسمبر زبرالوف^{۱۳} کابل را به قصد ماسکو ترک گفت چون بايد کار جديدش را در ايتوپيا آغاز مي کرد. کپوستين از وي خواهش کرد تا با زپلاتين (که به ماسکو احضار شده بود) در تماس شده و براي چنين اطلاع دهد: ايوانوف در افغانستان اقدامي را که کپوستين و سائر مشاورين آنرا نسنجیده و نابخردانه مي دانستند تدارک مي ديد. در بين مشاورين آوازه هايي بود که بزودي در رهبري جمهوري دموکراتيک افغانستان تغييرات مهمي وارد خواهد شد. حادثه بسيار مهمي در دست طرحريري بود و از قرار معلوم امين آگاهي داشت که حمله يي بر او در شرف وقوع است. زبرالوف بايد مستقيماً از فرودگاه ماسکو به منزل زپلاتين رفته و اين خبر فوق العاده مهم را به وي برساند تا وي بتواند آنرا به رهبران رده اول انتقال دهد. به ترجمان ديگري که در همان پرواز با زبرالوف يکجا از کابل پرواز مي کرد نيز همين وظيفه داده شد تا عين پيام را به زپلاتين برساند. از موضوع بلافاصله به کريوچکوف^{۱۴} اطلاع داده شد. از آنجا يک گزارش منکور به هر صورت به گونه مضاعف فرستاده شده بود به زبرالوف اجازه داده شد تا با زپلاتين ملاقات نموده پيامي را که به وي تفويض شده بود برساند که اين اقدام باعث شد تا پوشش زبرالوف در قواي مسلح شوروي افشا نشود. زبرالوف تقاضاي کپوستين را بروز رسيدن خود به ماسکو برآورده ساخت.

فرداي آن روز کپوستين از ملاقات خود با زبرالوف به يک افسر عملياتي کي جي بي گزارش داد. افسر منکور با بي حالي و بدون آنکه دلچسپي زيادي به افغانستان نشان دهد به کپوستين گوش داد و بيشتر در مورد مسائل خود و جنجال ها و بي نظمي هاي دفتر خود سخن گفت. وي شکايت کرد که «هيچکس در هيچ جا ديگر به حرفم گوش نمي کند، مرا فقط از يک شعبه به شعبه ديگر مي دوانند.»

در طول شب ۱۷ دسمبر يک تولى از «محافظين» شوروي در قصر دارالامان که محل جديد رهائش امين بود جابجا ساخته شدند. ساعت ۳:۰۰ بعد از ظهر روز ۲۰ دسمبر امين با تدابير شديد امنيتي از طريق جاده هايي که شديداً زير مراقبت بودند به آن قصر برده شد. يک واحد از گارد خانه خلق که مسئول محافظت از رئيس حزب و دولت بود يکجا با يازده تانک نيز به آنجا انتقال داده شدند.

روز ۲۲ دسمبر پوستر هايي با شعارهاي «مرگ بر کمونيست ها و امپرياليست ها! مرگ بر حفيظ الله امين خائن، اين سگ زنجيري روس ها!» در کابل نصب گرديد.

بروز ۲۳ دسمبر امين علاقمندی زيادي به وضعيت پاينگاه هوايي بگرام نشان داد. عوامل استخبارات نظامي افغانستان دست بکار شدند و سوقيات ترانسپورت موتري و قافله هاي نظامي زير کنترل قرار گرفت. حکيم امر پاينگاه بگرام از پياده شدن واحدهاي نظامي شوروي در بگرام به امين گزارش داد. اسدالله رحمان^{۱۵} رئيس کام به شعبات کام در فرودگاه کابل و پاينگاه بگرام هدايت داد تا در مورد زمان فرود، تعداد، نوع، و محموله طيارت شوروي که مي آمدند و اينکه از کجا پرواز کرده بودند به وي گزارش داده شود. براي اولين بار پيلوت هاي افغاني در هليکوپترهاي مي – ۲۵

^۹ منظور از سلطان احمد بهين است که باوجود سابقه خونخواري و خونريزي در حلقه نماي خاص حفيظ الله امين از طرف آقاي رنگين دادفر سپينا وزير خارجه «مترقي» آقاي کرزي به مقام سخنگوي رسمي وزارت خارجه جمهوري اسلامي افغانستان برکشیده شد و درين اواخر نزديک (۷ می ۲۰۰۹) بصفت سفیر کبير جمهوري اسلامي افغانستان در بيجنگ (جمهوري مردم چين) عز تقرر حاصل کرد – برگرداننده

^{۱۰} Zabraev (Zadrov)

^{۱۱} Kukhta, Katkov, Osadchy, Kostromin

^{۱۲} Evdokimov (Nekrasov)

^{۱۳} Zbralov نویسنده هيچگونه توضيحي در مورد اين شخص ننوشته است – برگرداننده

^{۱۴} رئيس رياست عمومي اول (عمليات خارجي) کي جي بي

^{۱۵} بگمان اغلب اين بايد يکي از همان بي دقتي هايي باشد که در دستنويس متروخين زياد بچشم مي خورد و در مورد دلایل آن قبلاً اشاره شده است. منظور درينجا بايد اسدالله امين باشد که رئيس کام بود – برگرداننده

به ارتفاع ۶۰ تا ۷۰ متر بر فراز محله رهایشی که سربازان چترباز شوروی در آن جایجا شده بودند به پرواز درآمدند. سلطان رئیس امور سیاسی کام نشرات رادیوهای غربی را که ادعا داشتند سربازان شوروی وارد جمهوری دموکراتیک افغانستان شده اند به توجه امین رساند. برخی مردم آمدن سربازان شوروی را علامه حمایت و پشتیبانی آنکشور از رژیم امین می دانستند و دیگران باور داشتند که اتحاد شوروی مناسبات خود را با امین قطع کرده و برای براندازی او آمادگی می گیرد.

روز ۲۴ دسمبر سفیرکبیر تابیف به دفتر سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی چنین اطلاع داد: «اخیراً انتقاداتی در مورد اعمال امریکاییان صورت گرفته است. بروز ۲۲ دسمبر امین طی بیانیه یی به کارکنان وزارت صحت عامه موارد مداخله آمریکا در نقاط مختلف جهان را برشمرد. وی از تمرکز کشتی های نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس یاد کرد که تهدیدیست برای مردم زحمتکش کشور برادر ایران.»

بروز ۲۵ دسمبر جلسه دفتر سیاسی به ریاست امین در خانه خلق دایر شد و مسئله اوضاع کشور و آمادگی برای رزم آزمایشی های بهاری مورد گفتگو قرار گرفت.

در آستانه هجوم ارتش شوروی امین با شور و احساس به سلطان احمد گفت «همه تلاش هایم در جهت بهبود مناسبات با آمریکا و سایر کشور های غربی بی نتیجه مانده اند. من دیگر هیچگونه تعهدی در برابر غرب ندارم.»

واحد های عمده قوای شوروی در جریان شب ۲۵ بر ۲۶ دسمبر به سوقیات آغاز نمودند. لشکر چهل ارتش شوروی تحت فرماندهی دیگر جنرال ب. ا. تکاچ^{۱۶} به اشغال افغانستان اقدام کرد. افغانها دقیقاً نمی دانستند چه واقع می شود. اعضای مطلع تر ستردرستیز اردوی افغانستان اعلام داشتند که هدف عملیات شوروی ها براندازی امین بود نه پشتیبانی از او و اینکه اتحاد شوروی به کسانی که ضد امین بودند کمک می کرد تا به قدرت برسند. درین ارتباط از ببرک کارمل رهبر جناح پرچم نام برده شد. لوی درستیز یعقوب اظهار داشت که «آنها باید سربازان اتحاد شوروی را در تابستان می آوردند تا موهایم از درگیری با شورشیان سفید نمی شد.»

تهاجم در اولین ساعات قربانی گرفت. یک هواپیمای الیوشن ۷۶ در ناحیه کوتل سالنگ به کوه تصادم کرد و ۴ عمده و ۳۷ تن نظامی را سر به نیست ساخت.

بتاریخ ۲۶ دسمبر گزارشی از کابل به مرکز کی جی بی فرستاده شد. شماره شامگاهی «کابل تایمز» بروز ۲۵ دسمبر مقاله پرابهامی را تحت عنوان «اراده مردم عامل تعیین کننده خواهد بود» به نشر رساند. درین مقاله آمده بود که «تجربه تاریخ نشان می دهد که این مردم یک کشور است که عامل تعیین کننده در مبارزه برای احقاق حقوق شان و بخصوص نبرد بخاطر آزادی می باشند. آنچه اراده مردم می تواند نه عسکر، نه سلاح ذروی و نه هم تجهیزات حربی انجام داده نمی توانند.» مقاله با اشاره به مردمان افغانستان، ویتنام، کمپوچیا و ایران با شعار «مرگ بر مداخله گران!» پایان یافت.

«از آنجاییکه مطبوعات افغانی تابع سانسور شدید است مقاله نمی توانست بدون استیذان حفیظ الله امین نشر گردد. زمان انتشار مقاله تصادفی نبود. مقاله در یک روزنامه انگلیسی زبان یعنی زبانی که افغانان کمتر با آن آشنا هستند انتشار یافت. هدف از انتشار این مقاله آشکارا تغییر دادن ذهنیت بخش های طرفدار غرب مردم افغانستان علیه سربازان شوروی بود تا به امکانات و منابع رسانه های پروپاگندی کشورهای غربی امکان دهد بلا فاصله در مورد مداخله شوروی در افغانستان سروصدا راه اندازند. بصورت عموم مقاله موضعگیری پر ابهام و محتاطانه امین و اطرافیانش را در قبال حضور افزایش یافته نظامی شوروی در افغانستان نشان می دهد.»

واحد های خط اول نظامی شوروی کابل را در محاصره کشیده بودند تا از هرگونه تلاش اردوی افغانستان برای آزاد سازی کابل جلوگیری کنند. فرقه ۱۰۳ هوابردی ارتش شوروی از کابل دفاع می کرد و یکجا با نیروهایی از غندهای چترباز ۳۱۷ و ۳۵۷ نقاط عمده شهری را در اشغال داشت. غند ۳۵۰ چترباز پیاده از میدان هوایی کابل محافظت می کرد. محل قوماندان فرقه در یک و نیم کیلومتری غرب فرودگاه قرار داشت. یک کندک جی آر یو (کی جی بی نظامی) در ناحیه دارالامان در دامنه جنوب غربی شهر کابل متمرکز بود. غند خاص ۳۴۵ چترباز از میدان هوایی بگرام محافظت می کرد. فرقه ۱۸۰ موتوریزه در ده کیلومتری شمال کابل متمرکز بود. غند ۱۰۸ موتوریزه با یک کندک توپچی در نواحی قرغه، فاضل بیگ، دارالامان و قلعه خواجه موضع گرفته بودند تا از رخنه فرقه ۷ و فرقه ۸ پیاده و غند ۳۷ کوماندوی اردو افغانستان از جانب غرب و جنوب بطرف کابل جلوگیری کنند. غند ۱۸۱ موتوریزه با فرقه توپچی در موضع غریب غر پلچرخ سنگر گرفته بودند تا از پیش روی لوای ۴ و لوای ۱۵ زره دار اردوی افغانستان از جانب شرق بطرف کابل جلوگیری کنند. غند ۲۳۴ زره دار و واحد های خاص در ۵ کیلومتری شمال کابل افتاده

بودند تا جاده بی را که از کابل به چاریکار می رفت زیر پوشش بگیرند. فرقه ۵ موتوریزه ده کیلومتر غرب تر، غند ۳۷۱ موتوریزه در دولت آباد، غند ۳۷۳ موتوریزه در ۵ کیلومتری جنوب کوئل هرسنب^{۱۷} و غند اول موتوریزه در ۱۵ کیلومتری شمالغرب هرات قرار داشتند. غند ۲۴ تانک در ۲۵ کیلومتری شمالشرق شیندند، یک غند توپچی با واحد های نقب زن و اکمالاتی در پنج کیلومتری شمال هرغچ^{۱۸} موضع گرفته بودند. محل قوماندان در چارگوش در ۱۰ کیلومتری شمال شیندند بود.

هدف عمده واحد های نظامی شوروی درین زمان خلع سلاح هرگونه آرایش جنگی افغانی بود که تلاش کند خطوط محاصره را شکستانده به دفاع از امین برخیزد و از کارمل اطاعت ننماید. اکثر افسران نیروهای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت تلقین مشاورین شوروی تعهد وفاداری خود را تغییر مرجع داده کوشش نکردند از رژیم دفاع کنند و آمادگی خود برای خدمتگذاری به مسئولین جدید را ابراز داشتند. تلاش های معدود و نیم بند مقاومت قاطعانه سرکوب شدند. وزیر امور سرحدات و والی کندهار سید داؤد صخره^{۱۹} به کبیر قوماندان قول اردوی نمبر ۲ امر کرد تا به کابل حمله نموده و آشوب را خاموش سازد لکن فرمانده مذکور از امر اطاعت نمود و اعلام داشت که دولت کارمل را برسمیت می شناسد. تورن جنرال محمد دوست قوماندان قول اردوی نمبر یک در برابر امر نظامیان شوروی مبنی بر ختم مقاومت پاسخ داد که آماده است سلاح خود را بر زمین گذارد و از حکومت جدید اطاعت نماید به شرط آنکه کشته نشود. اطمینان لازم درین زمینه برایش داده شد.

کی جی بی بروز ۲۷ دسمبر به «عملیات عقیق» که اهداف آن عبارت بودند از هجوم به محل اقامت حفیظ الله امین رئیس جمهور افغانستان و منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، نابود سازی فزیکتی خود نزدیکانش و دستگیری همراهان و اعضای حکومتش آغاز نمود. اضافه از ۷۰۰ عضو کی جی بی از مرکز و بخش های محیطی کی جی بی در کابل پیاده ساخته شدند تا در «عملیات عقیق» اشتراک کنند. سربازان یونیفورم اردوی افغانستان را به تن داشتند. علامه آغاز حمله انفجار در زیر درختی در میدان مرکزی پایتخت بود. در حمله بالای کاخ تاج بیگ اضافه از ۱۰۰ عضو کی جی بی کشته شدند. چنین رقم بزرگ تلفات اندروپوف را مجبور ساخت تا مصلحت بودن آویختن تصاویر کشته شدگان حین اجرای ماموریت انترناسیونالیستی شان در قاب های عزا داری در تالارها و دهلیزهای عمارات کی جی بی را مورد سوال قرار دهد چون چنین کاری بی لزوم توجه جلب می کرد.

آخرین بقایای مقاومت تا ساعت ۱۰:۳۰ روز ۲۸ دسمبر سرکوب گردید. خانه جانان قوماندان گارد خلقی که از محل بود وباش امین فاصله زیادی نداشت اشغال گردیده و جانان خودش دستگیر و به ساختمان خدمات خاص برده شد. عبدالله امین برادر بزرگ حفیظ الله امین در مزار شریف دستگیر گردید و به زندان خاص تجریدی افکنده شد. اعضای حکومت و شورای انقلابی دستگیر شدند. اعضای خانواده امین، پسر، سه دختر و عروسش (خانم عبدالرحمن پسر بزرگش) و همسر اسدالله امین بزندان پلچرخ انداخته شدند. دو پسر امین در جنگ کشته شده بودند. اعضای دستگیر شده حکومت و شورای انقلابی نیز از ساختمان رادیو افغانستان به همین زندان انتقال یافتند.

کارمل می خواست همه رهبران پیشین جمهوری دموکراتیک افغانستان مورد مجازات شدید قرار گرفته کسانیکه مسئول کشته شدن سربازان یورشی شوروی بودند بشمول جانان فرمانده پیشین گارد خلقی و علی شاه پیمان قوماندان ملیشای خلقی در برابر جوخه اعدام قرار گیرند. کارمل از نمایندگان کی جی بی خواست تا به اندروپوف اطمینان دهند که وی همه پیش نهادات و مشوره های او را بدون کم و کاست به مرحله اجرا قرار خواهد داد. کارمل تأکید کرد که باور راسخ داشت که چکیست ها (منسوبین کی جی بی) و نظامیان شوروی در هنگام هجوم بر منزل حفیظ الله امین از خود شجاعت و قهرمانی نشان داده بودند. وی گفت: «می خواهیم بمجرد اینکه از خود نشان های افتخار دولتی پیدا کنیم آنرا به همه سربازان و چکیست هایی که در نبرد سهم گرفتند اعطا نماییم. امیدواریم حکومت اتحاد شوروی این رفا را با چنین نشان ها مفتخر سازد.»

کارمل همچنین درخواست کرد تا خط مستقیم تلفون ارتباطی بین رئیس جمهور جمهوری دموکراتیک افغانستان و منشی عمومی ح.د.خ.ا. با برژنف، اندروپوف اوستینوف، گرومیکو، پوناماریف و کریوچکوف تأسیس گردد.

اعضای کی جی بی که در «عملیات عقیق» سهم گرفته بودند به اخذ ترفیع و تقدیر نایل گردیدند. لازارنکو به دریافت رتبه جنرالی نایل آمد با وجود آنکه برای چنین ترفیعی بست وجود نداشت. کرپچینکو به رتبه دگر جنرالی ارتقا

¹⁷ Harsanb کذا فی الاصل. این موضع شناخته نشد. از خوانندگان گرامی آگاه بر این مسئله تمنای همکاری دارم - برگرداننده

¹⁸ Hargech ایضاً

¹⁹ گمانی است چون در اصل S.D. Sakhran آمده است. از خوانندگان گرامی آگاه تمنای همکاری دارم - برگرداننده

یافت و کمی بعد تر منحیث معاون اول ریاست عمومی اول (عملیات خارجی) کی جی بی مقرر گردید. به کوزلوف که عضو شعبه هشتم ریاست «س» بود لقب قهرمان اتحاد شوروی داده شد.²⁰

مامورین عالیرتبه افغانی در شب ۲۷ بر ۲۸ دسمبر هیچگونه خبری از آنچه می گذشت نداشتند. محمد ظریف وزیر مخابرات، محمود سوما وزیر تحصیلات عالی، سید منصور هاشمی وزیر آب و برق، خوما^{۲۱} رئیس دارالانشای کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و عبدالواحد قونسل جمهوری دموکراتیک افغانستان در کوپته همه در خانه شماره ۱۰۴ ناحیه ۳ کابل جمع بودند. برخی از آنان فکر می کرد که آنچه جریان داشت «تحریکات ایالات متحده امریکا» بود در حالیکه دیگران فکر می کردند که اخوانی ها حمله کرده بودند. در برابر این اظهار نظر که شاید آنچه اتفاق می افتاد کار پرچمی ها باشد ظریف با اطمینان خاطر گفت که «بجایی نمی رسند. شوروی ها برایشان اجازه نخواهند داد.» همه در مورد سرنوشت حفیظ الله امین و اقبال وزیری هراسان بودند. پس از نشر اعلامیه رادیویی ببرک کارمل حالت کرختی و ترس و نومیدی بر همه مستولی شد. خوما اظهار داشت که شاید این تحریکی از جانب پرچمی ها باشد و پخش اعلامیه رادیویی شاید از طریق رادیو افغانستان نبوده باشد. آنها به حدس و گمان پرداخته گفتند که اتحاد شوروی در حوادثی که در حال تکوین بود دست داشت. بالاخره عبدالواحد قونسل کوپته گفت «باید کار رهبران رده بالا باشد. وقتی کارمل اعلامیه رادیویی خود را ایراد می کرد تانک های شوروی روی جاده های کابل در گشت بودند.» خوما اظهار داشت «فکر می کنم جنگ ادامه یابد. واقعاً ادامه خواهد یافت.»

بازجویی از کسانی که دستگیر شده بودند آغاز شد. دستگیر پنجشیری را از زندان نزد کارمل بردند. کارمل به خشم بروی عتاب کرد: «ما و رفقای شوروی ترا کمونیست راستین می پنداشتیم اما تو به رفقای شوروی که با تو در ماسکو صحبت کردند خیانت کردی.» پنجشیری گفت که با امین موافق نبود ولی نمی توانست آشکارا در برابر او قرار گیرد بدین لحاظ موقف مخالف مخفی را اختیار کرده بود. «در ارتباط صحبت هایم با رفقای شوروی، من آن صحبت ها را بمثابه تلاشی برای کشف احساسات ضد امینی خود تلقی کردم و خوف داشتم که آنها آنرا به امین برسانند. اگر من از نیات واقعی رفقای شوروی آگاه می بودم بدون شک روش دیگری اختیار می کردم.»

اقبال وزیری در بازجویی ابتدایی گفت که در عمر خود به مگسی هم آسیب نرسانده است و فقط اوامر رهبری حزب را اجرا می کرد. وی گفت که نمی دانست که امین جنایت کار بود یا خیر ولی «اگر رفقای شوروی تغییر در رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان را لازم می دانند در آنصورت من کاملاً با آن موافق هستم.» همسر اقبال وزیری از کیوستین خواست تا در آزاد سازی شوهرش کمک کند و با خودش نیز مدد نماید تا کاری بیابد و جایی برای زندگی کردن پیدا نماید. وی بیاد کیوستین آورد که با شوهرش مناسبات دوستانه داشت.

علی شاه پیمان خیلی غمگین و افسرده بود. وی موافقه کرد تا هرمتنی که در انتقاد از امین برایش داده شود از رادیو قرائت نماید. وی نامه یی به کیوستین بمثابه دوستی نوشت و اظهار داشت که «همواره در برابر کشتارها، دستگیری ها و مجازات های امین آواز خود را بالا کرده و اکثرأ با سیاست های او مخالفت خود را ابراز کرده بود. صادقانه برای مردم بینوای خود خدمت کرده و خدمت خواهد کرد و هیچگاه خائن نخواهد بود.» وی از کیوستین و زیلاتین خواست تا در رهایی اش از زندان کمک کنند. فقیر محمد فقیر وزیر داخله نیز آمادگی خود برای سخن گفتن علیه امین را ابراز کرد.

کارمل از حکومت شوروی تقاضا کرد تا اسدالله امین برادر زاده و داماد حفیظ الله امین را که در اتحادشوروی تحت تداوی بود به حکومت افغانستان بسپارد. وی بنابر «تسمم غذایی» اندکی قبل از این حوادث به اتحاد شوروی برده شده بود.

بررسی زندانیان دوره حکمروایی امین نشان داد که ۱۲۹ تن اعدام شده بودند، از آنجمله ۹ پرچمی، ۱۰ مائویست، ۱۲ خمینیست، ۲۸ شورشی، ۲۱ توطئه گر و ۴۹ اخوانی. اضافه بر اینها، ۴۰ پرچمی، ۲۲ توطئه گر، ۳۲ شورشی، ۹ مائویست، ۱۲ اخوانی و ۱۳ خمینیست به حبس محکوم گردیده بودند.

²⁰ تنها کسی که از مقامش برکنار شد بگر جنرال ب. ی. ایوانوف بود که «عملیات عقیق» را ترتیب و هدایت کرده بود. او که تجربه چکیستی سال ۱۹۶۸ [چکسلواکیا] در «مسائل حساس» را داشت از مقامش بحیث معاون اول ریاست عمومی اول (عملیات خارجی) کی جی بی برکنار و کاری در دفتر رئیس کی جی بی برایش داده شد. رهبری کی جی بی او را بخاطر طرح ناکام کمک به تره کی برای از بین بردن امین هرگز نبخشید. (یادداشت نویسنده)

²¹ Khuma کذا فی الاصل. نویسنده قبلاً (در قسمت اول این ترجمه) از «خوما» منحیث یکی از بنیاد گذاران گروه پرچم نام می برد. از آنجاییکه در آن قسمت آغازین نوشته خود نویسنده ایجننت های کی جی بی بشمول کارمل را با نام مستعار ایجننتوری شان یاد می کند این نام «خوما» نیز باید نام مستعار یکی ازین جاسوسان باشد که نام اصلی اش را نویسنده فاش نساخته است. اینکه رئیس دارالانشای کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. در آنزمان کی بود اینجانب بخاطر ندارم. از خوانندگان گرامی ایکه بیاد داشته باشند کمک می طلبم تا هویت «خوما» شناخته شود - برگرداننده

شام ۲۸ دسمبر اعلامیه بی از طرف حکومت جدید از طریق رادیو افغانستان انتشار یافت. درین اعلامیه از «درخواست مصرانه حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان برای کمک عاجل سیاسی، اخلاقی و اقتصادی که مکرراً از حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی صورت گرفته بود» سخن رفت. اعلامیه اظهار داشت که «حکومت اتحاد شوروی به این درخواست جانب افغانی جواب مثبت داد.» سفارت شوروی در کابل خاطر نشان ساخت که عبارت «مکرراً از حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی صورت گرفته بود» به متن اصلی که در شب ۲۷ بر ۲۸ دسمبر از ماسکو اخذ گردید اضافه شد.

ادامه دارد

سخنی با خواننده

پروژه اكمال و ویرایش سند «کی جی بی در افغانستان»

خوانندگان ارجمندی که بخش های پیشین این سلسله را از نظر گذشتانده اند شاید متوجه شده باشند که برخی عدم دقت ها در محتوی و شیوه بیان این رساله وجود دارد که تا آنجا که ایجاب می کرد و در توان اینجانب بود در پاورقی ها به آنها اشاره شده است. این رساله در اصل بشکل دستنویس بزبان روسی نوشته شده است. شرایط پر از اضطراب و دلهره بی که در تحت آن اسناد محرم بایگانی کی جی بی پنهانی استنساخ و برون کشیده می شدند از بی دقتی ها در املا نام ها و عدم مراعات نقطه گذاری که در زبان های اروپایی با دقت و وسواس مراعات می شود، آشکار است. پس ازینکه متروخین با اسناد برون آورده شده از کی جی بی به غرب آمد حجم گفتنی ها و افشا کردنی های مختلف بیشتر از آن بود که بتواند وقت و دقت لازم را برای ویرایش نوشته ها و پژوهش فاکت های یک رساله دستنویس بخرچ دهد.

تا جایی که معلوم است این رساله هنوز بزبان اصلی روسی نشر نشده و همانگونه که در پیشگفتار بخش اول این ترجمه دری آمده، برای نخستین بار در سال ۲۰۰۲ توسط «پروژه تاریخ بین المللی جنگ سرد» مربوط «مرکز بین المللی وودرو ویلسن برای دانشمندان» بزبان انگلیسی به نشر رسید. نسخه انگلیسی این رساله گویا معروض ویرایش قرار گرفته است اما کسانی که نسخه نشر شده انگلیسی را مطالعه کرده اند یا خواهند کرد گواهی خواهند داد که ویرایش انجام یافته ناقص و پر از کاستی هاست و کمترین تلاش صورت گرفته تا نوشته مطابق با معیارهای پذیرفته شده ویرایش مسلکی در غرب ارائه گردد. (املا نادرست و ناهمگون نام ها، عدم مراعات دقیق نقطه گذاری بخصوص هنگام نقل قول، از هم گسیخته بودن جملات و پراگراف ها و سلیس نبودن بیان). شاید هم این «عدم دقت» در واقع بخاطر بازتاب دهی دقیق اصل روسی بوده باشد.

اینجانب و اکثر خوانندگان این رساله مربوط نسلی هستیم که شاهد عینی وقایع شرح شده درین نوشته بوده ایم و با نامها و شهرت اشخاص ذکر شده و حوادثی که آفرینند تا حد زیادی آشنایی داریم و مستقیماً متأثر از درامه های تاریخی ننگینی هستیم که شرح جریانات پشت پرده آنها درین رساله و در نوشته های بی شمار دیگر آمده است. ولی ما نسلی هستیم که بسوی شامگاه زندگی خودها روانیم و به یقین که خوانندگان جوانتر و آیندگان آن بوی آشنای خاطرات ناگوار این حوادث را که ما استشمام می کنیم نخواهند شنید، بنابراین لازم است توضیحات پاورقی و معرفی اشخاص و حوادث ذکر شده درین رساله هرچه همه جانبه تر و افشاگرتر باشد، که درین امر خود را محتاج مددکاری و همکاری خوانندگان ارجمند می دانم.

درین راستا از خوانندگان با درد این سلسله تقاضا میکنم که در صورتی که در مورد اشخاصی معلومات داشته باشند که درین رساله نام گرفته شده اند ولی معرفی دقیق نگردیده اند با تذکار آن به آدرس پیک برقی kgbdariproject@yahoo.ca در اكمال و بیشتر مؤثق ساختن این سند که پس از پایان نشر انترنتی بشکل نسخه چاپی انتشار خواهد یافت سهم حقیقت پویانه بگیرند. معلومات ارسالی آنها بنام خودشان در پاورقی ذکر خواهد شد.

درین ارتباط بصورت مشخص معلومات ذیل تقاضا می گردد:

- جاسوس نام گرفته شده در دوران وحشت و خیانت ۷ ثوری چه مقام و منصبی داشت؟
- شخص مذکور اکنون در کجا زندگی می کند؟ اگر فوت نموده چه وقت و در کجا چشم از جهان پوشیده است؟
- «یک تصویر گاهی کار هزار کلمه را می دهد». اگر عکسی از اشخاص ذکر شده درین رساله (چه ایجنت های کی جی بی و چه قربانیان جنایات شان) سراغ داشته باشید با فرستادن یا دادن نشانی آن بر همه خوانندگان منت بگذارید.
- معلومات بیشتر پیرامون کارنامه شخص مورد نظر

سپاس من و همه خوانندگان به آنانی که درین راستا سهم می گیرند از پیش تقدیم باد. (برگرداننده)